

ولادیمیر مینورسکی و جهان‌شناسی

معرفی کتاب دفتری برای ایران

گودرز رشتیانی^۱

ولادیمیر مینورسکی (۱۹۶۶ - ۱۸۷۷ م.) ایران‌شناس روسی تبار ساکن اروپا بود که بعد از گذشت بیش از پنجاه سال از درگذشتش، آثار او همچنان مرجعی مهم در پژوهش‌های ایران‌شناسی هستند. کار سترگ وی در تصحیح و ترجمه انگلیسی حدودالعالم، نگارش بیش از صد مقاله دایرةالمعارف به‌ویژه برای دایرةالمعارف اسلام، چاپ لایدن و نیز انتشار بیش از دویست مقاله مستقل و چند کتاب و سخنرانی دیگر، همه یادگاری از شش دهه تکاپوی بی‌وقفه علمی او است. مینورسکی در چند دهه اول زندگی خود، کارمند وزارت امور خارجه و دیپلمات بود که در کنسولگری روسیه تزاری در تبریز و بخارا فعالیت می‌کرد. در سال‌های انقلاب روسیه تا ۱۹۱۹ م. کاردار سفارت روسیه در تهران بود. بعد از آن، مستقیم از ایران به پاریس مهاجرت کرد و با ترک فعالیت‌های اجرایی به مطالعات تخصصی ایران‌شناسی در فرانسه و انگلستان مشغول شد. از میان حوزه‌های مطالعه مینورسکی، بیش از همه جغرافیای تاریخی ایران، تاریخ قفقاز و مطالعات کردشناسی او اهمیت اساسی دارند که نقشی مهم در تثبیت نظریه علمی پیوستگی تاریخی قفقاز و کردها در جهان فرهنگ و تمدن ایرانی در صد سال گذشته داشته‌اند. مینورسکی خالق دو نظریه با نام‌های «میان‌پرده ایرانی» و «اسلام ایرانی» برای درک بهتر تاریخ ایران نیز هست که مهم‌ترین وجه تمایز وی از سایر ایران‌شناسان داخلی و خارجی است. در مقاله حاضر به بررسی زندگی، فعالیت‌های علمی و نیز نامه‌های فارسی ارسالی به او پرداخته می‌شود. آرشیو مینورسکی که شامل کتابخانه و اسناد شخصی او است و در مؤسسه نسخه‌های خطی سنت پترزبورگ روسیه نگهداری می‌شوند، گنجینه‌ای ارزشمند برای شناخت تاریخ، ادبیات، فرهنگ، هنر، زبان‌شناسی و روابط خارجی ایران به شمار می‌آید.

^۱. عضو هیئت علمی گروه تاریخ دانشگاه تهران rashtiani@ut.ac.ir

زندگی و پژوهش‌های مینورسکی

ولادیمیر فدروویچ مینورسکی^۱ در شهری کوچک در کنار رود ولگا به نام کراچوا^۲ به دنیا آمد که در حال حاضر زیر دریاچه مسکو فرورفته است. دوره متوسطه را در مسکو با رتبه اول در ۱۸۹۶ به اتمام رساند. از ۱۸۹۶ تا ۱۹۰۰ در دانشگاه مسکو در رشته حقوق تحصیل کرد و بلافاصله مشغول آموختن زبان‌های شرقی در مؤسسه زبان‌های شرقی لازاروف در مسکو شد.^۳ در طی سه سال تحصیل در این مؤسسه، نزد پروفیسور ا. ای. کارش^۴، میرزا جعفر محلاتی، میرزا عبدالله غفاروف و بارون ا. استاکلبرگ^۵ زبان فارسی و نزد پروفیسور آ. ای. کریمسکی^۶ و آقای میخائیل آتایا^۷ عربی و نزد دکتر استاوروساکوف^۸ و آقای اس. زرونیان^۹ ترکی آموخت. تاریخ خاور نزدیک را نیز در محضر پروفیسور وسیفلد میلر^{۱۰} فراگرفت. بر زبان انگلیسی هم در این سال‌ها مسلط شد.

مینورسکی در تابستان ۱۹۰۲ برای نخستین بار از ایران دیدار کرد. در خلال این سفر به جمع‌آوری مطالب و نوشته‌هایی در مورد فرقه اهل حق پرداخت و با تکمیل و انتشار آن در ۱۹۱۱ موفق به دریافت نشان طلای بخش مردم‌شناسی انجمن امپراتوری علوم طبیعی مسکو شد.

در ۱۹۰۳ به خدمت وزارت امور خارجه روسیه در آمد. از ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸ در ایران خدمت کرد، ابتدا در تبریز و بعد در تهران که باعث برقراری ارتباط‌های گسترده با اهل سیاست و محققان ایرانی همانند سید حسن تقی زاده شد. دیوید مارشال لانگ بر این باور است که مینورسکی هم‌خوانی چندانی با سیاست‌های رسمی دولت تزاری به‌ویژه در وقایعی همانند انقلاب مشروطه و تحولات پس از آن نداشت:

«تلاش روسیه برای سرکوب انقلاب مشروطیت ایران و تبدیل بخش‌های وسیعی از ایران به یکی از ایالات تابعه امپراتوری تزاری با طبع مینورسکی سازگار نبود و تا جایی که مقدر بود سعی کرد از این مسائل فاصله بگیرد. شایان ذکر است که ادوارد براون در اعتراضیه‌ای

^۱. Vladimir Fed'orovich Minorsky

^۲. Krocheva

^۳. این مؤسسه در ۱۸۱۵م. توسط خاندان لازار (لازربیان) ارمنی تأسیس شد و بیشتر زبان‌های شرقی همانند عربی، فارسی، ترکی، ارمنی، گرجی و سایر زبان‌های شرقی دور در آنجا آموزش داده می‌شد. بعد از انقلاب ۱۹۱۷م. این مؤسسه دستخوش دگرگونی‌های زیاد شد، نهایتاً اسم آن به مؤسسه شرق‌شناسی مسکو تغییر کرد، در دهه ۱۹۳۰م. تعطیل شد و کتاب‌های آن به کتابخانه لنین منتقل شدند.

^۴. Karsh

^۵. Stackelberg

^۶. A. A Kerimski

^۷. Michael Ataya

^۸. Stavrosakov

^۹. D. Zrunia

^{۱۰}. Vesivold Miller

که در جراید بریتانیا چاپ کرد از چندین دیپلمات روسی نیز یاد کرد، از جمله مینورسکی. ولی هنگامی که از مواضع واقعی او در قبال مسئله ایران اطلاع یافت، او را آشکارا مبرا دانست. حتی مینورسکی در کمبریج در منزل براون اقامت گزید، احترام ایرانیان نسبت به مینورسکی و همچنین پیوندش با دانشگاه کمبریج از همین ایام آغاز شد.^۱

از ۱۹۰۸ تا ۱۹۱۲ در خارج ایران به سر برد. یک سال در ترکستان (بخارا) ماند که فرصتی برای بازدید از آثار فرهنگی و تاریخی آن بود. در زمان اقامت در سنت پترزبورگ نیز با چهره‌هایی سرشناس همانند واسیلی بارتولد رابطه برقرار کرد، کسی که مینورسکی تا آخر عمر، خود را شاگرد وی می‌دانست.

پس از وقوع درگیری‌های مرزی ایران و عثمانی در ۱۳۳۰ ق. / ۱۹۱۱ م. نماینده رسمی دولت روسیه در کمیسیون چهارجانبه ایران، عثمانی، انگلیس و روسیه برای تعیین مرزهای ایران و عثمانی شد. مرحله اول پیمایش در ۱۹۱۱ م. در حوالی دریاچه ارومیه صورت گرفت. در ۱۹۱۲ م. بخشی از کار کمیسیون در استانبول دنبال شد و مینورسکی دبیر دوم سفارت روسیه در آنجا بود. مرحله دوم از فوریه ۱۹۱۴ م. تا اکتبر همان سال از فاو و خرمشهر تا کوه‌های آارات، مسافتی در حدود دو هزار کیلومتر انجام شد و این بار بر خلاف دو دوره قبل (۱۸۴۸ و ۱۸۵۲)^۲، موضوع اختلاف دو کشور تا حدی زیاد حل و فصل شد و کار کمیسیون ۴۸ ساعت قبل از آغاز جنگ جهانی اول خاتمه یافت. دانش گسترده جغرافیایی و مردم‌شناسی مینورسکی و تلاش‌های دقیق وی از جمله در بررسی نقشه‌ها و اسناد تاریخی، نقشی مهم در توافق دو دولت داشت، به گونه‌ای که تا سال‌ها بعد، از خط مرزی ایران و عثمانی با عنوان «خط مینورسکی» یاد می‌شد.

دستاورد علمی حاصل از این سفر برای مینورسکی، مجلد دوم «موادی برای مطالعه شرق» بود که در ۱۹۱۵ م. توسط وزارت امور خارجه روسیه به صورت محرمانه منتشر شد^۳ و نیز گزارش‌هایی از آن در جلسه‌های انجمن جغرافیایی امپراتوری روسیه در ۱۹۱۶ م. ارائه گردید. توشه برگرفته از این سفر و ارتباط‌های وی با افراد بومی نیز به مثابه مواد خام بسیار بارز، در سال‌های بعد در مقاله‌ها و کتاب‌های وی انعکاس یافت.

در ۱۹۱۶ م. به‌عنوان دبیر اول و در ۱۹۱۷ م. چندی نیز به‌عنوان وزیرمختار سفارت روسیه در

۱. لانگ، دیوید مارشال، ۱۳۸۸، «ولادیمیر فدوروویچ مینورسکی»، ترجمه کاوه بیات، جهان کتاب، شماره ۲۴۳-۲۴۱.
 ۲. نویسنده توضیح‌هایی بیشتر درباره کمیسیون‌های احتمالی برگزار شده در این دو سال ارائه نداده است؛ اما علاوه بر معاهده‌های ارزنه‌الروم اول و دوم، ما از مذاکرات ایران و عثمانی در سال‌های ۱۹۰۶ و ۱۹۰۸ م. هم اطلاعاتی داریم، گرچه به نتیجه‌ای منجر نشد.

۳. Материалы по изучению Востока, Министерством иностранных дел, выпуск 2, 1915

تهران فعالیت کرد. مینورسکی و همسرش بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷م. به روسیه برگشتند.^۱ در ۱۹۱۹م. به پاریس رفت و امیدوار بود بتواند در روند معاهده ورسای نقشی ایفا کند. در این زمان، دانش گسترده و مطالعات میدانی وی این امکان را برایش فراهم ساخت تا به نوشتن و انتشار انبوهی از مقاله‌ها درباره روابط منطقه‌ای و بین‌المللی روی آورد. در ۱۹۲۳م. تغییری مهم در زندگی وی اتفاق افتاد؛ خروج از امور اجرایی و پرداختن تمام وقت به امور علمی.

در همین سال به تدریس فارسی و سپس ترکی در مدرسه السنه شرقیه پاریس^۲ مشغول شد. اقامت در پاریس زمینه ارتباط وی را با علامه قزوینی فراهم ساخت، روابطی که به دوستی پایدار تبدیل شد و تا پایان عمر قزوینی ادامه یافت. نگارش مقاله را برای دایرةالمعارف اسلام در ۱۹۲۵م. آغاز کرد. برونداد آن ۱۱۰ مقاله کم نظیر بود که بسیاری از آن‌ها همچنان مرجع محققان امروزی هستند. نوشتن رساله‌ای درباره گریبایدوف و نیز آغاز تصحیح و انتشار بسیاری آثار از جمله حدودالعالم در همین ایام صورت گرفت.

مینورسکی در ۱۹۳۰م. به لندن رفت و مسئول برگزاری نمایشگاه بین‌المللی هنر و صنایع ایران در برلینگتن هاوز لندن شد. برگزاری دوساله این نمایشگاه بر اعتبار وی افزود و به دعوت سیر دنیسون رس از ۱۹۳۲م. به مدرسی زبان و ادبیات فارسی و تاریخ ایران در مدرسه السنه شرقیه لندن با نام سواس گمارده شد. در سال بعد دانشیار شد و پس از بازنشسته شدن سیر دنیسون رس در ۱۹۳۷م. جانشین وی به عنوان استاد مطالعات ایرانی شد. به علت وقوع جنگ جهانی دوم، فعالیت‌های این مدرسه از ۱۹۳۹م. به کمبریج منتقل شد و مینورسکی نیز در این شهر اقامت گزید. پس از بازنشستگی از دانشگاه لندن در ۱۹۴۴م. تا پایان حیاتش در این شهر و در خیابان باتمن ماندگار شد.

سال‌های اقامت در لندن و کمبریج، دستاوردهای علمی فراوان برای او به ارمغان آورد که حاصل آن‌ها انتشار ده‌ها کتاب و مقاله، شرکت در کنفرانس‌ها و مجمع‌های علمی و نویسندگی ثابت بودن در مجله‌های بولتن مدرسه السنه شرقیه سواس و مجله انجمن پادشاهی آسیایی بود. از ۱۹۴۸ تا ۱۹۴۹م. به دعوت دانشگاه فؤاد اول، در قاهره درس و کنفرانس داد که یکی از محصول‌های علمی آن، ترجمه و انتشار نسخه رساله دوم سفرنامه ابودلف به ایران در ۱۹۵۵م. بود.

^۱. در خلال جنگ دوم جهانی، مبارزه قهرمانانه مردم روسیه بر ضد نازی‌ها بار دیگر آتش عشق پروفیسور و بانو مینورسکی را به میهنشان برافروخت و موجب شد تا از نو با محفل‌های علمی اتحاد شوروی ارتباط برقرار کنند. هنگامی که در بیستمین کنگره شرق‌شناسان در ۱۹۶۰م. به‌عنوان مهمان آکادمی علوم شوروی از مسکو، باکو، ایروان و تفلیس دیدار کردند با اشتیاق و احترامی عمیق از آن‌ها استقبال شد. مینورسکی تصحیح و ترجمه تذکرةالملوک را که در ۱۹۴۲م. و هم‌زمان با محاصره لنین‌گراد به انتشار رسید به «شرق‌شناسان مصیبت‌زده شوروی» تقدیم کرد (لانگ، همان).

^۲. Ecole Nationale des Langues Orientales Vivantes

مینورسکی در اواخر عمر از ضعف شدید بینایی رنج می‌برد، به گونه‌ای که چندان قادر به خواندن و نوشتن نبود و همسرش این امور وی را انجام می‌داد. از فحوای تعدادی از نامه‌ها هم پیداست که خواندن و نوشتن مطالب فارسی توسط دکتر تورخان گنجه‌ای و شخصی به اسم کمال صورت می‌گرفته است. تاریخ درگذشت وی ۲۵ مارس ۱۹۶۶ م. پس از ضعف قلبی و یک بستری کوتاه‌مدت در بیمارستان کمبریج است. دو سال بعد همسرش تاتیانا، جسد او را به مسکو منتقل کرد و در قبرستان نوودویچ^۱ به خاک سپرده شد که از آرامگاه‌های مفاخر روسیه است.^۲

قلمرو پژوهشی مینورسکی

موضوع‌های پژوهشی مینورسکی گرچه متنوع بود؛ اما ایران به مفهوم کلیت تاریخی و جغرافیایی آن، کانون مرکزی مطالعات او را تشکیل می‌داد. گذشته از برخی کارهای پراکنده، قلمرو موضوعی آثار مینورسکی را که خود نیز به این تقسیم‌بندی معتقد بود، می‌توان شامل چهار حوزه دانست: مطالعات جغرافیایی تاریخی ایران؛ مطالعات قفقازشناسی؛ ایران در دوره مغول و ترکمانان؛ نظام اداری، ادبیات و هنر ایران و مطالعات کردشناسی.^۳ خود وی گفته است: «علی‌رغم طیف متنوعی از مسائل پژوهشی که توجه من را به خود جلب نموده است، بدون هیچ تردیدی موضوعات مرتبط با ایران پیشدار علائق تحقیقاتی من می‌باشند. ایران سرزمینی است که تاریخ و ادبیاتش با زندگی بسیاری از مردم نزدیک و دور پیوند داشته و من اغلب وسوسه شده‌ام تا این مخاطبین و تعامل‌ها را دنبال کنم. برخی از مقاله‌ها که در این جلد وجود دارد، گرچه در اصل بخشی از مجموعه‌های قفقاز، ترکمن، مغول هستند، اما حتی در این موارد نیز منابع ایرانی نقطه آغازین

^۱. Новодевичье кладбище

^۲. برای اطلاعات بیشتر درباره زندگی و فعالیت‌های علمی مینورسکی بنگرید به: رشتیانی، گودرز، ۱۳۹۴، ره‌آورد مینورسکی، تهران: نشر هرمس. لازم به ذکر است دانشگاه تهران با پیگیری‌های سید حسن تقی‌زاده، ایرج افشار، احسان یارشاطر و تعدادی دیگر از محققان، به پاس قدردانی از فعالیت‌های ایران‌شناسی مینورسکی، دو مجموعه به نام وی منتشر کرده است. مجموعه اول به نام «Iranica, Twenty Articles» (۱۹۶۴) و حاوی بیست مقاله مینورسکی در حوزه مطالعات ایران است که به درخواست خود وی صورت گرفت. مجموعه دوم «یادنامه ایرانی مینورسکی» (۱۳۴۸) نام دارد که پس از مرگ وی منتشر شد و حاوی چند یادداشت در بزرگداشت مینورسکی و نیز مقاله‌هایی در پژوهش‌های تاریخی و ادبی است.

^۳. کردشناسی مینورسکی میراثی مهم به شمار می‌آید. بیشتر از همه کتاب کردها، نوادگان مادها شناخته شده است؛ اما منظومه کردشناسی مینورسکی متنوع بود. چند کار مهم درباره اهل حق انجام داده و مدخل‌هایی مهم نیز درباره اقوام و شهرهای کردنشین نوشته است. جای‌نامه‌های اطراف دریاچه ارومیه هم دستاوردهایی به شمار می‌آیند. بخشی مهم از مطالعات قفقازی او هم در واقع کردشناسی است. مقاله‌ای مفصل هم درباره تبار صلاح‌الدین ایوبی دارد. به این آثار البته چند کار دیگر هم باید اضافه کرد.

تحقیقات من را تشکل می‌دهند. در مراحل متوالی زندگی من، دیدگاه‌های من نسبت به مسائل ایران متفاوت و وسیع شده است.^۱

رویکرد وی به بررسی تاریخ ایران نیز صرفاً از منظر تحولات سیاسی نبود بلکه مینورسکی ضمن برشمردن اهمیت توجه به تاریخ سیاسی، به‌درستی تأکید کرده است که در پژوهش‌های صورت‌گرفته به سایر عوامل تأثیرگذار مهم همانند سازمان‌های اداری، امور مالی، اقتصاد، تغییرهای اخلاقی و جنبش‌های مردمی که اغلب در ارتباط یا زیر پوشش دسته‌بندی‌های مذهبی بوده‌اند کمتر توجه شده است. دیگر ویژگی منحصربه‌فرد مینورسکی، توجه وی به دوره‌ها و موضوع‌های تاریخی کمترشناخته‌شده است که به علت فقر منابع و یا کم‌اهمیت‌شمردن آن‌ها، جذابیتی برای سایر محققان نداشته‌اند. پیش‌تر از همه، او این وجه از کنجکاوای علمی خود را در اولین سفر مطالعاتی به ایران در ۱۹۰۳م. نشان داد که ضمن بررسی مقدماتی دربارهٔ فرقهٔ اهل حق و تداوم آن در سال‌های بعد، پژوهشی مفصل دربارهٔ این فرقه در ۱۹۱۱م. منتشر کرد و موجب اعطای مدال طلای بخش قوم‌شناسی انجمن پادشاهی علوم طبیعی در مسکو به وی شد. مینورسکی در مطالعات کردشناسی نیز پیشتاز بود؛ به‌ویژه با حضور در ایران در سال‌های ۱۹۰۴ تا ۱۹۰۸م. و نیز عضویت در کمیسیون تعیین مرزهای ایران و عثمانی، به‌صورت میدانی حدود دو هزار کیلومتر از فاو و خرمشهر تا کوه‌های آرات را پیمود که منجر به ارتباط بسیار نزدیک او با افراد و قبایل کرد ایران و عثمانی شد. همین عامل، مواد خام بسیار ارزشمندی برای مطالعات بعدی در حوزهٔ تاریخی، مذهبی و زبان‌شناسی در اختیار او گذاشت.

پژوهش‌های او دربارهٔ دیلمیان و قفقاز^۲، ادبیات ایران^۳، چند جهانگرد ایرانی و عرب^۴ و دوره‌های مغول و ترکمانان^۵ نیز منحصربه‌فرد بودند؛ زیرا در این حوزه‌ها نیز به موضوع‌ها و مسئله‌هایی توجه کرد که تا آن زمان علایق پژوهشی کمتر کسی را برانگیخته بود. مینورسکی دارای چند کار شاخص در حوزهٔ جغرافیا است. پیش‌تر از همه بایستی به کتاب حدودالعالم من المشرق الی المغرب اشاره نمود که قدیمی‌ترین کتاب جغرافیای عمومی

^۱. Minorsky, 1964: foreword

^۲. کتاب تاریخ شروان و دربند بر مبنای کتاب عربی «تاریخ الباب و شروان» احمد ابن لطف‌الله معروف به

منجم‌باشی و کتاب پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز و نیز چهار مجموعهٔ Caucasia

^۳. بررسی کتاب‌های طبایع الحیوان نوشتهٔ شرف‌الزمان طاهر مروزی

^۴. سفرنامهٔ ابودلف از مسمر بن مهلهل در سال‌های ۳۴۱-۳۳۱ ق.

^۵. مجموعهٔ IV-I Mongolica از جمله پژوهش در پور بهاء و اسامی مکان‌های مغولی در مکرری کردستان. با ترجمهٔ

خلاصه‌ای از تاریخ عالم‌آرای امینی که در سن هشتادسالگی انجام داد. این مجموعه، ترکمانیکا را به اوج خود رساند.

به زبان فارسی است و در ۳۷۲ق. توسط نویسنده ای ناشناس نوشته شده است.^۱ همان گونه که باسورث به درستی گفته است، سه کار شاخص مینورسکی در حوزه جغرافیا یعنی حدودالعالم، رساله دوم ابودلف و کتاب شرفالزمان طاهر مروزی درباره چین، ترکها و هند، ذهنیت و آگاهی محققان غربی را از این دانش در جهان اسلام دگرگون کرد.

مهمترین پژوهش مینورسکی در حوزه ادبیات، نگارش مقاله‌ای درباره مقدمه قدیم شاهنامه و برجسته کردن نقش ابومنصور عبدالرزاق مرزبان شرقی توس بود که حماسه ملی ایرانی را از پهلوی به فارسی جدید ترجمه کرد. از منظر مینورسکی، فرهنگ ایرانی دارای یک کلیت بود که همدلی بسیار با ادب فارسی به ویژه شعر فارسی داشت. او به مطالعات خود در تاریخ ادبیات به عنوان فعالیتی حاشیه‌ای در کنار تمرکز اصلی تحقیقاتی‌اش در زمینه تاریخ و جغرافیای تاریخی نمی‌نگریست، بلکه از نظر وی به مثابه جزئی از کل در تبیین شکوفایی فرهنگ و زندگی ایرانی در وسیع‌ترین مفهوم خود به شمار می‌رفت. او مقاله عمر خیام را برای دایرةالمعارف بریتانیکا و دو مقاله ماندگار هم درباره تاج‌الدین پوربهاء شاعر هجونیویس از شهر جام خراسان در نیمه قرن سیزدهم نوشت. پژوهش مینورسکی درباره منظومه بلند فخرالدین اسعد گرگانی با موضوع عشق شاهزاده ویس همسر پادشاه مرو به برادر پادشاه به نام رامین بیش از سایر پژوهش‌های ادبی او از اهمیت برخوردار است. مهم‌ترین کار شاخص مینورسکی در حوزه مطالعات اداری و دیوانسالاری ایران، ترجمه و انتشار نسخه خطی تذکره‌الملوک بود. این کتاب، مهم‌ترین اثر مربوط به ساختار دیوانی و اداری عصر صفوی است که در آن همه مناصب، القاب و وظایف کارگزاران حکومتی تشریح شده‌اند و با مطالعه آن تصویری روشن از کلیت نظام دیوانی صفویان به دست می‌آید.

آرشیو مینورسکی

مینورسکی احترامی زیاد برای ایران‌شناسان شوروی قائل بود و به احترام ایران‌شناسانی که در جنگ جهانی دوم به ویژه در روزهای محاصره لنین‌گراد جان خود را از دست داده بودند وصیت کرد بخش مهم کتابخانه و اسناد شخصی‌اش به موزه آسیایی مؤسسه نسخه‌های خطی شرقی آکادمی علوم روسیه در پترزبورگ منتقل شوند.

^۱ ترجمه مینورسکی از حدودالعالم که همراه با جزئیات فوق‌العاده و توضیح‌های تکمیلی بود به تنهایی برای معرفی او به عنوان یک محقق بزرگ کافی است. این کتاب فراتر از جهان اسلام در قلمروی گسترده، اطلاعاتی درباره غرب اروپا، شرق آفریقا، آسیای مرکزی، سبیری و چین ارائه می‌دهد و همین گستردگی باعث بروز اشتباه‌هایی در خواندن نام‌های ناآشنا برای کاتبان آن شده بود. این موضوع مینورسکی را بر آن داشت که تا حد ممکن این اشتباه‌ها را تصحیح کند. این کتاب بعداً توسط منوچهر ستوده در ایران منتشر شد.

تنظیم و دسته بندی اسناد این آرشیو در ۱۹۷۴م. شروع شد که با فرازونشیب‌هایی تا ۱۹۹۵م. ادامه یافت و از ۲۰۱۰م. به بعد، امکان مطالعه و پژوهش در آرشیو مینورسکی فراهم شد. آرشیو مینورسکی در این مؤسسه به شماره صندوق ۱۳۴ سازمان‌دهی شده و دارای ۶ بخش یا آپیس است که به صورت موضوعی تنظیم شده و کلیات آن از این قرار است:

بخش ۱: آثار علمی مینورسکی (۱۹۶۳ - ۱۹۰۲)، ۸۲۸ پرونده (از یک تا صدها برگ)

۱. تاریخ و تاریخ‌نگاری ایران و مناطق مجاور آن (۱۹۶۳ - ۱۹۲۴)
۲. تاریخ اسلام و فرق اسلامی در ایران (۱۹۵۶ - ۱۹۱۰)
۳. اقوام ایرانی (۱۹۵۸ - ۱۹۰۲)
۴. زبان‌شناسی، ادبیات و هنر ایران و کشورهای مسلمان (۱۹۵۹ - ۱۹۳۱)
۵. منبع‌شناسی شرق نزدیک و میانه (۱۹۶۲ - ۱۹۳۱)
۶. آثار اجتماعی سیاسی (۱۹۶۳ - ۱۹۰۹)
۷. مقاله‌ها برای دایرةالمعارف‌ها (۱۹۵۲ - ۱۹۲۵)
۸. ترجمه‌ها (۱۹۶۱ - ۱۹۱۴)
۹. جزوه‌های درسی (۱۹۵۶ - ۱۹۲۱)
۱۰. سخنرانی‌ها و ارائه مقاله در کنفرانس‌ها (۱۹۶۲ - ۱۹۱۶)
۱۱. اظهارنظرها، ارزیابی‌ها و داوری‌های علمی (۱۹۶۳ - ۱۹۱۳)
۱۲. گزارش مأموریت و سفرهای رسمی (۱۹۱۷ - ۱۹۰۲)
۱۳. رونوشت‌برداری از اسناد تاریخی و نسخه‌های خطی به زبان‌های شرقی

بخش ۲: اسناد شخصی، خانوادگی و شغلی (۱۹۷۷ - ۱۸۸۷)، ۵۶۹ پرونده (از یک تا صدها برگ)

- اول: اسناد شخصی و خانوادگی (۱۹۷۷ - ۱۸۲۳)
۱. اسناد و مدارک شخصی (۱۹۶۲ - ۱۸۸۷)
 ۲. گواهی عضویت در انجمن‌های مجامع علمی (۱۹۶۳ - ۱۹۱۵)
 ۳. تبریک‌های سالروز تولد (۱۹۵۵ - ۱۹۴۷)
 ۴. دفترهای خاطرات و سفرنامه‌های مینورسکی (۱۹۵۹ - ۱۹۰۲)
 ۵. ارزیابی‌های دیگران از آثار مینورسکی (۱۹۷۷ - ۱۹۱۱)
 ۶. اسناد خانوادگی (۱۸۶۶ - ۱۹۲۳)

دوم: اسناد مربوط به فعالیت‌های شغلی (۱۸۶۵ - ۱۹۴۸)

۱. مأموریت در ایران (۱۹۰۲ - ۱۹۲۳)
۲. کمیسیون تعیین مرزهای ایران و عثمانی (۱۸۴۸ - ۱۹۱۵)
۳. اسناد مربوط به فعالیت‌های آموزشی (۱۹۵۷ - ۱۹۲۴)
۴. اطلاعاتیه‌ها و پوستره‌های برنامه‌های علمی (۱۹۵۶ - ۱۹۱۴)
۵. اسناد و مکاتبه‌های مربوط به انتشار مقاله‌ها (۱۹۶۴ - ۱۹۱۵)
۶. نشست‌ها، کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی (۱۹۶۵ - ۱۹۰۲)

بخش ۳: مکاتبات (۱۸۷۱ - ۱۹۶۶)، ۲۴۵۵ پرونده (از یک تا ده‌ها نامه)

اول: نامه‌های ارسالی مینورسکی (۱۹۶۵ - ۱۹۱۳)

۱. به زبان روسی (۱۹۶۵ - ۱۹۱۳)
 ۲. به زبان‌های اروپایی (۱۹۶۵ - ۱۹۲۰)
 ۳. به زبان‌های شرقی (۱۹۴۶ - ۱۹۳۶)
- دوم: نامه‌های مستقل (۱۹۱۹ - ۱۹۱۴، ۱۹۶۲ - ۱۹۴۶)
- سوم: نامه‌های فرستاده‌شده به مینورسکی (۱۹۶۶ - ۱۹۰۳)
۱. به زبان روسی (۱۹۶۵ - ۱۹۰۳)
 ۲. به زبان‌های شرقی (۱۹۶۶ - ۱۹۱۰)
- چهارم: نامه‌های مربوط به افراد دیگر (۱۹۶۱ - ۱۸۷۱)
۱. به زبان روسی (۱۸۷۱، ۱۹۴۷ - ۱۹۱۲)
 ۲. به زبان‌های اروپایی (۱۹۶۱ - ۱۹۰۳)
 ۳. به زبان‌های شرقی (۱۹۴۶ - ۱۹۱۴)
- پنجم: نوشته‌های روی هدایا (۱۹۶۱ - ۱۹۲۰)

بخش ۴: آثار علمی دیگران (۱۸۵۴ - ۱۹۶۴)، ۲۴۳ پرونده (از یک تا صدها مورد)

۱. آثار علمی شامل مقاله‌ها، سخنرانی‌ها و ارزیابی‌ها (۱۸۵۴ - ۱۹۶۴)
۲. آثار علمی افراد نامعلوم (۱۹۶۳ - ۱۹۱۳)
۳. گزارش‌ها یادداشت‌ها و بخشنامه‌های رسمی (۱۹۲۴ - ۱۹۱۰)
۴. گزارش‌ها، یادداشت‌ها و نوشته‌های افراد نامعلوم (۱۹۲۲ - ۱۹۱۲)

بخش ۵: عکس‌ها (۱۹۶۳ - ۱۸۸۸)، ۱۱۰ پرونده (از یک تا ده‌ها قطعه عکس)

۱. عکس‌های مینورسکی (۱۹۶۴ - ۱۹۰۴)
۲. عکس‌های افراد دیگر (۱۹۶۳ - ۱۸۸۸)
۳. قومیت‌ها، رسم‌ها و آئین‌های مذهبی ایران (۱۹۰۷ - ۱۹۰۶، ۱۹۳۴)
۴. شهرها و مکان‌های جمعیتی ایران (۱۹۳۴ - ۱۹۰۱)
۵. هنرهای ایران (بیشتر در قرن‌های میانه)

بخش ۶: مجموعه اسناد و بریده‌های نشریات (۱۹۶۶ - ۱۸۲۹)، ۱۴۳ پرونده (از یک تا

صدها صفحه)

- اول: اسناد (۱۹۵۳ - ۱۸۲۹)
۱. تاریخ ایران (۱۹۲۱ - ۱۸۴۶)
 ۲. تاریخ روسیه (۱۹۲۱ - ۱۸۲۹)، گنجینه پژوهشی مینورسکی
 ۳. بیانیه‌ها و اطلاعیه‌ها (۱۹۲۱ - ۱۸۲۹)
- دوم: بریده‌های نشریات (۱۹۶۶ - ۱۹۰۷)
۱. وضعیت داخلی و بین‌المللی روسیه (۱۹۶۶ - ۱۹۱۲)
 ۲. وضعیت داخلی و بین‌المللی کشورهای مختلف (۱۹۶۶ - ۱۹۰۷)
- سوم: روزنامه‌ها (۱۹۶۴ - ۱۹۱۵)
۱. به زبان روسی (۱۹۱۹ - ۱۹۱۵)
 ۲. روزنامه‌ها به زبان‌های اروپایی (۱۹۶۴ - ۱۹۱۸)
 ۳. به زبان‌های شرقی (۱۹۵۶ - ۱۹۱۸)

یکی از بخش‌های مهم آرشیو مینورسکی که در بخش سوم جای داده شده‌اند، نامه‌های مینورسکی و مکاتبه‌ها با وی است. از نظر حجم محتوایی، این بخش بیش از نیمی از کل پرونده‌های آرشیو مینورسکی را در بر می‌گیرد. دامنه زمانی این نامه‌ها از ۱۹۰۳ تا ۱۹۶۶ م. است. در اینجا باید به اهتمام مینورسکی در نگهداری بسیار دقیق تک‌تک نامه‌های دریافتی اشاره کرد که با جدیت تمام آن‌ها را دسته‌بندی و محافظت نمود و به احتمال زیاد در زمان حیاتش، بار دیگر آن‌ها را سامان‌دهی و به‌ترتیب نویسندگان تفکیک کرد و با دستخط خود به زبان انگلیسی یا روسی نام فرستنده و در مواردی معدود، خلاصه محتوای هر نامه را در

حاشیه آن یادداشت کرده است. از این رو در صورت نداشتن نام فرستنده یا دشواری در تشخیص، می‌توان با مراجعه به دستخط مینورسکی نام فرستنده را پیدا کرد.

یکی دیگر از نکته‌های بسیار جالب توجه، اقدام مینورسکی در تهیه رونوشت از نامه‌های ارسالی خود است. با مراجعه به آن‌ها می‌توان از محتوای نامه‌های او به دیگران باخبر شد که به نوعی مکمل نامه‌های ارسالی به او هستند. البته بیشتر این پیش‌نویس نامه‌های ارسالی مربوط به نامه‌های انگلیسی (۳۱۳ پرونده) و سپس روسی (۷۸ پرونده) هستند و فقط ۲۲ پرونده به زبان‌های شرقی و کمتر از ۱۰ نامه به فارسی در دسترس است.

نامه‌های ارسالی به مینورسکی طیفی متنوع از احوال‌پرسی دوستانه، گفت‌وگو و پرسش و پاسخ‌های علمی، مکاتبه‌های رسمی و کارت‌پستال‌های تبریکی را در بر می‌گیرند. از نظر تنوع زبانی، به ترتیب می‌توان این نامه‌ها را در زبان‌های اروپایی، عمدتاً انگلیسی، سپس فرانسوی، آلمانی و ایتالیایی با ۱۲۵۶ پرونده و هر پرونده از یک تا صدها نامه، روسی با ۴۶۳ پرونده، زبان‌های شرقی با ۲۳۸ پرونده دسته‌بندی کرد. متأسفانه در فرصت پیش آمده، امکان مطالعه و دسترسی به نامه‌های غیرفارسی میسر نشد. اما با گذری بسیار اجمالی به نامه‌های انگلیسی می‌توان این ادعا را مطرح کرد که محتوای آن‌ها از ظرفیت پژوهشی گسترده‌ای برخوردار هستند و می‌توانند زمینه چندین پژوهش علمی برجسته باشند.

به‌عنوان نمونه پس از انتشار ترجمه انگلیسی حدودالعالم که رویداد علمی مهمی در آن سال‌ها محسوب می‌شد، بسیاری از شرق‌شناسان دنیا ضمن ارسال نامه و تبریک انتشار آن، به اظهار نظر درباره اطلاعات محتوایی آن پرداخته و در مواردی متعدد پیشنهادها یا انتقادهایی را مطرح کردند؛ مثلاً در بین نامه‌های انگلیسی، حدود ۲۰۰ نامه مختص به حدودالعالم است که با بررسی آن‌ها می‌توان به بازبینی و تصحیح مجدد این کتاب امیدوار بود، موضوعی که دغدغه خود مینورسکی هم بود و همسرش بعد از درگذشت وی قرار بود این اقدام را پیگیری کند. برای دستیابی به اطمینان باید چاپ ۱۹۷۰م. باسورث را از حدودالعالم بررسی کرد تا معلوم شود که چه میزان از اطلاعات این نامه‌ها استفاده کرده است.

تعداد نامه‌های فارسی به مینورسکی ۵۲۴ طغرا است. بیشترین تعداد یعنی ۱۲۶ نامه به علامه محمد قزوینی تعلق دارد و سید حسن تقی‌زاده و دیگران در جایگاه‌های بعدی هستند. سید حسن تقی‌زاده ۶۹ نامه، عباس اقبال آشتیانی ۲۵ نامه، سید فخرالدین شادمان ۲۳ نامه، ایرج افشار ۲۰ نامه، احسان یارشاطر ۲۰ نامه، علی‌اصغر حکمت ۱۷ نامه، فرنگیس نمازی (شادمان) ۱۷ نامه، رشید یاسمی ۱۳ نامه، مجتبی مینوی ۱۱ نامه، ذبیح‌الله صفا ۱۰

نامه، غلامحسین مصاحب ۷ نامه، فریدون آدمیت ۶ نامه و... باید در نظر داشت تعدادی از این افراد، همانند ایرج افشار، احسان یارشاطر، علی اصغر حکمت و... به زبان انگلیسی یا فرانسوی نیز مکاتبه‌هایی دیگر با مینورسکی داشته‌اند که در بخشی جداگانه از این نامه‌های فارسی دسته‌بندی شده‌اند و از این رو در کتابِ دفتری برای ایران منتشر نشده‌اند.^۱

این کتاب که توسط بنیاد موقوفات افشار با همکاری انتشارات سخن در ۱۳۹۹ ش. منتشر شد هم برای مطالعات عمومی ایران‌شناسی در زمینه تاریخ، ادبیات، فرهنگ، هنر و زبان‌شناسی کاربردهای فراوان دارد و هم برای موضوع‌های تخصصی‌تر همانند تاریخ روابط خارجی ایران که می‌تواند مبنایی برای مطالعات ثانویه باشند. در یک ارزیابی کلی از محتوای نامه‌ها، به خصوص نامه‌های علامه قزوینی، ایرج افشار، سید حسن تقی‌زاده، مجتبی مینوی، عباس اقبال آشتیانی، عبدالحسین زرین کوب و... می‌توان بیشتر آن‌ها را به مثابه گفت‌وگوهای عمیق علمی مکتوب به شمار آورد و از هر سطر و بندشان، اطلاعاتی عمیق استخراج کرد. برخی از آن‌ها نیز به تنهایی می‌توانند موضوع یک پژوهش مستقل باشند؛ از جمله نامه‌های علامه قزوینی ویژگی‌هایی ممتاز دارند. این نامه‌ها علاوه بر ویژگی کمی که بیشترین تعداد را به خود اختصاص داده‌اند، از نظر کیفی و محتوای علمی نیز از غنای بسیار بالایی برخوردار هستند و پس از گذشت حدود یک سده، هنوز می‌توانند مرجع تحقیق‌های مرتبط قرار گیرند. معنی واژه‌ها، توضیح نام‌ها و رویدادهای تاریخی، شرح جغرافیای تاریخی شهرها، تفسیر شعرها و واژه‌های پیچیده و ریشه‌یابی آن‌ها، نقد متن‌ها و شخصیت‌های تاریخی و ده‌ها مؤلفه دیگر از ویژگی‌های مهم این مکاتبه‌ها هستند.

تاریخ روابط خارجی ایران در دفتری برای ایران

یکی از وجوه اهمیت نامه‌های فارسی ارسال شده به مینورسکی شناخت لایه‌هایی پنهان از تاریخ روابط خارجی ایران است؛ به‌ویژه اگر به سابقه مأموریت‌های دیپلماتیک مینورسکی در ایران توجه کنیم اهمیت این موضوع بیشتر می‌شود. مهم‌ترین اهمیت این نامه‌ها در حوزه روابط خارجی نامه‌هایی است که به تعیین مرزهای ایران و عثمانی مربوط می‌شوند. همان گونه که گفته شد مینورسکی نماینده روسیه تزاری در کمیسیون چهارجانبه ایران، عثمانی، روسیه و انگلستان برای تعیین حدود ایران و عثمانی بود که بعد از سه سال و پیش از

^۱. برای اطلاع دقیق‌تر از نامه‌های غیرفارسی بنگرید به: رشتیانی، گودرز و ناهید عبدالتاج‌دینی، ۱۳۹۳، فهرست تفصیلی گنجینه پژوهشی ولادیمیر مینورسکی، انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴م. مرز دقیق ایران و عثمانی را بعد از اختلاف‌های چندساله مشخص کردند.^۱ یکی از نامه‌های ناظم‌الملک^۲ که نماینده ایران در کمیسیون چهارگانه بود جالب است: «دیروز کمیسیون تشکیل شد. بنا بود مأمورین عثمانی ادعاهای خود را در باب سلیمانیه کتباً پیشنهاد نمایند، لیکن به این مقام برنیامده و حدود سلیمانیه را از ما سؤال نمودند. جواب دادیم مجلس آینده نقطه نظر خود را اظهار خواهیم داشت. اینک تلواً اظهاراتی که باید بنمائیم نوشته و ایفاد داشتیم بعد از آن ملاحظه به توسط حامل ذریعه امر به اعاده خواهند فرمود که روز پنجشنبه داده شود. لایحه در باب زهاب هم داده شد. در صورت مجلس نمره ۱۲ از ملاحظه شریف می‌گذرد. جواب ایضاحات را پریروز مسیو شیبله^۳ فرموده اظهار داشتند همین‌طور که نوشته شده است صحیح است. مجدداً لفاً خدمت جناب اجلّ عالی ارسال شد که یک ملاحظه دیگری فرموده و اعاده فرمائید که داده شود. در باب رفتن به لاهه باز مذاکرات کردند. گفتیم تا مذاکرات خود را در فصول عهدنامه ارض روم تمام نکنیم و این مدت معینه در پروتکل منقضی نشود، نمی‌شود به لاهه رفت. گفتند جهد می‌کنیم که مذاکرات را در چند مجلس تمام نمائیم و چون نادر علی پاشا هم مأمور ارزنجان شده و به زودی [استون دوم] می‌رود تا به رفتن او مذاکرات تمام شود آنچه استنباط شده به این شکلها می‌خواهند مأمورین خودشان را تا سه چهار مجلس دیگر متفرق نمایند محض اطلاع خاطر محترم عرض شد. نقشه خط زهاب که متعلق به جناب آقای ناظم‌الملک است اگر لازم نخواهد شد مرحمت فرمائید حامل ذریعه بیاورد.»^۴

نامه‌ای دیگر هم از ناظم‌الملک جالب است: «در باب صلح و سازش جواب رد دادیم و عیب کار را حالی کردیم که از منطقه درویش پاشا هم تجاوز کرده اند، ولی با این وجود باز در باب شمال توضیحات خواستیم. جواب دادند که وقتی در این همه مسافتی که پیشنهاد شده متفق

۱. بخشی مهم از آرشیو مینورسکی اسناد، عکس‌ها و نقشه‌های مربوط به تعیین حدود ایران و عثمانی هستند. بخش اسناد مربوط به فعالیت‌های شغلی (۱۹۶۵ - ۱۸۴۸)، ردیف دوم.

۲. میرزا جهانگیرخان محبی حسینی یکانلو مردنی ملقب به ناظم‌الملک (۱۳۱۲ - ۱۲۳۸ ش.) و متخلص به «ضیایی» فرزند محب‌علی خان ناظم‌الملک است. پس از گذراندن دوران تحصیل به کار در وزارت خارجه مشغول شد و لقب پدرش ناظم‌الملک را به کار گرفت. ناظم‌الملک با زبان فرانسه آشنایی کامل یافت و در وزارت خارجه مناصبی بالا به دست آورد. از جمله زمانی مدیرکل وزارت امور خارجه و روزگاری هم کفیل وزیر خارجه در کابینه سپهدار اعظم تنکابنی (۱۲۹۵ - ۱۲۹۴ ش.) بود. در دوران تعیین حدود ایران و عثمانی (۱۹۱۴ - ۱۹۱۱م.)، ناظم‌الملک سرپرستی هیئت ایرانی را بر عهده داشت. ولادیمیر مینورسکی نماینده روسیه تزاری و شیبیل نماینده بریتانیا در این مذاکرات بودند. آثار علمی و ترجمه‌هایی هم از وی بر جای مانده است.

۳. Smith Shipley نماینده بریتانیا در کمیسیون مرزی ایران و عثمانی.

۴. در حال حاضر قطور یکی از بخش‌های تابعه شهرستان خوی در استان آذربایجان غربی است. این منطقه بین صفویان و عثمانی دست‌به‌دست می‌شد. طبق معاهده ۲ بهمن ۱۳۱۰ ش. / ۲۳ ژانویه ۱۹۳۲م. ایران و ترکیه، این منطقه به حاکمیت ایران درآمد. دفتری برای ایران ۷، نامه شماره ۴۰۴.

نباشیم ذکر طرف شمال هم بی نتیجه است. معذک تکراراً می گوئیم که در طرف شمال همان خط ۱۲۹۲ درویش پاشا تکلیف خواهد شد و نیز از ما خواستند که Contre Project [استون دوم] خود را در باب پیشنهاد آنها بدهیم. گفتیم خط تکلیف آخری ما همان است که در موصل داده شده است.^۱

درباره جزئیات روابط با عثمانی از جمله حاکمیت بر قطور نیز اطلاعاتی مهم دیده می شود.^۲ روابط با شوروی از جمله گزارش مفصل فرنگیس نمازی (شادمان) که به دعوت کمیته زنان شوروی به آن کشور سفر کرده بود و جوهی از روابط دو کشور را نشان می دهد.^۳ از فحوای نامه ها مشخص می شود که دیپلمات های ایرانی از دانش گسترده مینورسکی بهره می گرفتند. علامه قزوینی در یکی از نامه ها نوشته است: «از آقای میرزا محمدعلی خان فروغی^۴ که فعلاً در آنقره هستند امروز مکتوبی داشتم که در آن، این جمله راجع به سرکار نوشته شده بود: اگر آقای مینورسکی را ملاقات می فرمائید از ایشان سؤال کنید که برای مطلع شدن از احوال این مملکت [ترکیه] از تاریخ و جغرافیا و ادبیات و سایر اطلاعات چه کتب به زبان فرانسه یا انگلیسی سراغ دارند که تحصیل کنم یعنی از اروپا بخرم زیرا که اینجا نمی توان به دست آورد.»^۵ با توجه به مأموریت سید حسن تقی زاده به عنوان سفیر ایران در انگلستان، این دو ملاقات ها و مکاتبه هایی فراوان داشتند. بخشی از مکاتبه های تقی زاده در ارتباط با روابط خارجی ایران بودند؛ از جمله از مینورسکی درخواست می کند نقشه هایی اروپایی درباره خلیج فارس و نیز حاکمیت تاریخی ایران بر بحرین را به ایران ارسال نماید.^۶ از لابه لای نامه ها اطلاعاتی جالب درباره برخی از از دیپلمات های دیگر همانند غلامعلی وحید مازندرانی (۱۳۶۹-۱۲۹۱ ش.)، دیپلمات ایرانی در هند و انگلستان به دست می آید.^۷ آسان شدن دسترسی و فرستادن کتاب های تازه منتشر شده در ایران توسط سفارت ایران در لندن، بخشی دیگر از ابعاد این مکاتبه ها هستند.

یکی از نامه های مهم این مجموعه، نامه ای است که توسط مجتبی مینوی نوشته شده و از مینورسکی درباره مأموریت پرنس دالگورکی در ایران پرسیده شده است. دلیل کنجکوی مینوی، انتشار کتابی با عنوان «یادداشت های دالگاروکی» در مشهد بود که مورد استفاده و استناد گسترده بابیان قرار

۱. دفتری برای ایران، نامه شماره ۴۷۳.

۲. دفتری برای ایران، نامه شماره ۴۷۶.

۳. دفتری برای ایران، نامه شماره ۴۱۶.

۴. ۱۳۲۱ - ۱۲۵۴ ش. فرزند محمدحسین فروغی و برادر ابوالحسن فروغی. او مترجم، ادیب و سخن شناس، فیلسوف، تاریخ دان، روزنامه نگار، سیاست مدار، دیپلمات، نماینده مجلس، وزیر و نخست وزیر ایران بود.

۵. دفتری برای ایران، نامه شماره ۱۶.

۶. همان، نامه شماره ۲۸.

۷. همان، نامه شماره ۱۴۹.

گرفته بود. مینوی نوشته است: «پرنس دالگورکی از قراری که من در کتابهای فارسی و انگلیسی دیده‌ام از سال ۱۸۳۱ تا ۱۸۳۳ (به‌جای گریپایدوف) به سمت سفارت روسیه در ایران منصوب شده بوده است. سپس کنت سیمونیچ به جای او آمده است و باز چند سال بعد در سال ۱۸۴۶ دالگورکی سفیر شده است و تا ۱۸۵۴ در ایران بوده است و از قراری که اعتمادالسلطنه در رسالهٔ خلسه [پشت صفحه] یا خواب‌نامه ذکر می‌کند در حدود ۱۸۸۷ و ۱۸۸۸ نیز پرنس دالگورکی سفارت روس را در ایران داشته است. آیا این آخری همان پرنس قدیم است یا پسر او؟ اگر همان شخص باشد که در سال ۱۸۳۱ سفیر روس بوده باید عمری به صد و بیست سال کرده باشد. دیگر اینکه کتاب مجعولی در مشهد به فارسی چاپ شده است به اسم یادداشتهای دالگاروکی و کسانی که آن کتاب را دیده و از آن مطالبی نقل کرده اند می‌گویند که اصل آن نیز به زبان روسی در دورهٔ کمونیسم چاپ شده است. آیا [صفحه ۳] این حرف حقیقت دارد؟ من گمان می‌کنم که ایوانف در تاریخ بایبه اسمی از چنین کتابی نبرده است و چون برای من شکی نیست که این نسخهٔ فارسی یادداشتهای دالگاروکی مجعول است گمان می‌کنم که اصلاً در زبان روسی چنین چیزی موجود نباشد. حضرتعالی در این باب چه می‌فرمائید؟»^۱

می‌دانیم که کتاب تاریخ روابط روس و ایران محمدعلی جمالزاده از آثار تحقیقی مهم فارسی دربارهٔ روابط ایران و روسیه است. دامنهٔ تاریخی این کتاب تا پایان صفویه است و نویسنده در مقدمهٔ کتاب گفته است که در نظر دارد ادامهٔ روابط دو کشور را تا اول قاجار به رشتهٔ تحریر درآورد و یادداشتهایی نیز جمع‌آوری کرده است. متأسفانه جمالزاده موفق به نوشتن ادامهٔ کتابش نشد و خبری هم از یادداشت‌های او در دست نیست. جالب‌توجه است که در یکی از این نامه‌ها، جمالزاده نوشته است تاریخ روابط ایران و روس بعد از ۱۳۵ ق. را هم نوشته و آن را به مرحوم تقی‌زاده داده؛ اما در برلین گم شده است. از این رو، به‌احتمال زیاد می‌توان سرنخی از این یادداشت‌ها را در میان کتابخانهٔ شخصی تقی‌زاده یا جاهایی پیدا کرد که وی در آلمان یا ایران با آن‌ها مرتبط بود.^۲

مینورسکی در واقع تلفیقی کم سابقه از دو مکتب مهم ایران‌شناسی در جهان امروز است؛ مکتب ایران‌شناسی روسیه و مکتب ایران‌شناسی اروپای غربی. مینورسکی که زادهٔ روسیه و پرورش‌یافتهٔ مکتب نخست بود، با دستی پر و تجربه‌ای گران‌بها راه هجرت به مکتب دوم را برگزید و در اقامت طولانی خود در فرانسه و انگلستان (۱۹۶۶ - ۱۹۱۹ م.) به آمیختن این دو مکتب همت گمارد که دستاوردهای آن به‌رغم گذشت سالیان زیاد، همچنان مرجعی طراز اول برای پژوهش‌های امروزی است. ارتباط نزدیک و حضور سالیان متمادی در ایران به عنوان مأمور سیاسی در تبریز و تهران (۱۹۰۸ - ۱۹۰۴) و نمایندگی روسیه در کمیسیون تعیین مرزهای ایران و عثمانی (۱۹۰۴ - ۱۹۰۸)

۱. همان، نامهٔ شمارهٔ ۲۵۷.

۲. دفتری برای ایران، نامهٔ شمارهٔ ۲۶۸.

۱۹۱۱) و سفارت روسیه در تهران (بیشتر سال‌های ۱۹۱۹ - ۱۹۱۴) این امکان را در اختیار وی گذاشت تا از نزدیک با ویژگی‌های جغرافیایی، منابع تاریخی، افراد سرشناس و محققان ایرانی آشنا شود. از بررسی نامه‌های فارسی این مجموعه، اطلاعاتی ارزشمند درباره ابعاد مختلف تاریخ و فرهنگ ایران و نیز روابط خارجی ایران به دست می‌آید که به جنبه‌هایی از آن اشاره شد.

منابع و مأخذ

- آدمیت، تهمورس، ۱۳۶۸، گشتی برگزیده (خاطراتی از سفیر کبیران ایران در شوروی «آدمیت»، تهران.
- انستیتوی نسخ خطی شرقی پترزبورگ، فوند ۱۳۴، اپیس ۳، پرونده‌های مختلف.
- مینورسکی، ولادیمیر، سازمان اداری حکومت صفوی یا تحقیقات و حواشی و تعلیقات استاد مینورسکی بر تذکرة الملوك، ترجمه مسعود رجب‌نیا؛ با حواشی و فهارس و مقدمه و امعان نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی زوار.
- نویسنده گمنام، ۱۳۴۰، *حدود العالم من المشرق الى المغرب*، به کوشش منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران.
- دفتری برای ایران، نامه‌های فارسی به ولادیمیر مینورسکی، ۱۳۹۸، تهران: انتشارات بنیاد موقوفات افشار و نشر سخن.
- رشتیانی، گودرز، ۱۳۹۵، «رویکرد و روایت ولادیمیر مینورسکی از تحول و تکامل جامعه ایرانی»، نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۲).
- رشتیانی، گودرز، ۱۳۹۴، *ره‌آورد مینورسکی*، تهران: نشر هرمس.
- رشتیانی، گودرز، عبدالتاج‌دینی، ناهید، ۱۳۹۳، *فهرست تفصیلی گنجینه پژوهشی ولادیمیر مینورسکی*، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ستوده، منوچهر، ۱۳۳۸، «کاتی از مقابله حدود العالم با ترجمه انگلیسی آن»، فرهنگ ایران زمین، شماره ۱۶۷.
- سفرنامه ابودلف در ایران در سال ۳۴۱ هجری، ۱۳۴۲، با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی؛ ترجمه ابوالفضل طباطبایی، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- گریست، حسن و محمدحسین مدرس نهاوندی، ۱۳۲۹، *طبايع الحيوان*، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، تبریز، شماره ۲۳.
- لانگ، دیوید مارشال، ۱۳۸۸، «ولادیمیر فدورویچ مینورسکی»، ترجمه کاوه بیات، جهان کتاب، شماره ۲۴۳ - ۲۴۱.
- مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۷۶، «مقدمه قدیم شاهنامه»، مترجمان: مهدی فیروزان و عبدالحمید روح بخشان، نامه فرهنگستان، شماره ۱۰.

مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۳۳، *سخنرانی آقای پرفسور ولادیمیر مینورسکی استاد مدرسه تحقیقات آسیائی و آفریقائی (انگلستان)*، نشریه دانشکده ادبیات، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال دوم، شماره ۱.

مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۷۵، *پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز*، ترجمه محسن خادم، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۷۵، *تاریخ شروان و دربند*، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

مینورسکی، ولادیمیر، ۱۳۷۹، *کردها، نوادگان مادها*، مترجم جلال جلالی، تهران: نشر هه‌ژار.

مینوی، مجتبی، افشار، ایرج، ۱۳۴۸، *یادنامه ایرانی مینورسکی: شامل مقالات تحقیقی مربوط به مطالعات ایرانی*، تهران: دانشگاه تهران.

John E. Woods, 1993, *Woods with an Abridged English, Translation by Vladimir Minorsky, Revised and Augmented* London: Royal Asiatic Society.

Gershevitch, Ilya, 1967, Professor Vladimir Minorsky, *Journal of the Royal Asiatic Society*, Volume 99 Issue 1.

Materiali po Izuchenio Vostoka, 1915, Ministerstvom Inosterenikh Del, T.2
Материалы по изучению Востока, 1915, Министерством иностранных дел, выпуск 2

Minorsky, Vladimir, 1932, *La Domination des Daïlamite*, Paris.

Minorsky, Vladimir, 1942, *Sharaf al-Zamān Ṭāhir Marvazī on China, the Turks and India*, London.

Minorsky, Vladimir, (1948-1953) *Caucasica I-IV*, BSO(A)S, 12/4, 13, 14/2, 15/3, 13-15

Minorsky, Vladimir, 1957, *Persia in A.D. 1478-1490*, London, 1957

Minorsky, Vladimir, 1964, *Iranica: Twenty Articles/Bist Maqāla-ye Minorsky*, University of Tehran.,. Foreword.

Minorsky, Vladimir, 1964, *Iranica: Twenty Articles/Bist Maqāla-ye Minorsky*.

Minorsky, Vladimir, 1970, *Hudud al-'Alam*, ed. Clifford Edmund Bosworth, Revised Edition, London.